

## راهبرد مطلوب نظامی «نظریه‌ی دفاع ولایی بنیان مرصوص» در جنگ ناهمطراز با نگرش به اصل «دفاع نبوی»

نیک‌بخش حبیبی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۸/۲۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۹/۱۷

صفحات مقاله: ۱۱۵-۱۶۴

### چکیده

با توجه به تحولات بنیادی در عرصه‌ی قدرت و سیاست مبتنی بر دانش و اطلاعات که «قدرت نرم» را شکل می‌دهد، ضرورت بازنگری این مفهوم دفاعی در قالب‌های نو برای انطباق با جنگ‌های آینده به شدت احساس می‌شود. بنابراین، محقق شرح قضیه‌ی «دفاع ولایی بنیان مرصوص» را با الویت چهارگانه مرجعیت مقتدر مسلح، جنگاوران ایمانی (صابران دانش‌محور)، تسلیحات فناوری و دفاع همه‌جانبه‌ی مردمی، به‌عنوان «راهبرد مقاومت» مطرح و تلاش دارد تا در یک تحقیق کتابخانه‌ای بر اساس رجوع به اسناد و مدارک با تحلیل داده‌ها و استخراج اطلاعات مرتبط، بتواند مؤلفه‌ها و شاخص‌های وابسته به موضوع تحقیق یعنی راهبرد مطلوب نظامی در جنگ ناهمطراز را با توجه به رویکرد «دفاع ولایی بنیان مرصوص» مشخص و تعریف کند تا راهی برای چگونگی جنگیدن پیشنهاد شود.

در جنگ‌های ناهمطراز چالش واقعی روی «بودن یا نبودن» یا «اصل بقا» در هر وضعیت ممکن است، بنابراین، بهترین پاسخ دفاعی پاسخی است که همه‌آحاد مردم در آن نقش اساسی داشته باشند. این مفهومی است که در ذیل

«دفاع نبوی» مردم پایه در اندیشه‌ی ادیان ابراهیمی نهادینه شده است. نظریه‌ی «دفاع ولایی» حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> با رویکرد دفاع همه‌جانبه‌ی مردمی با اصالت بخشی به حضور جنگاوران ایمانی هوشمند دانش‌محور متکی بر فناوری تسلیحات، در تقابل با تفکر نئورئالیستی تهاجمی غرب که قدرت‌سازی از طریق همسبستگی راهبردی (ائتلاف) را اساس اندیشه‌ی دفاعی خود در تأمین امنیت ملی به‌مثابه‌ی ابزار بقا می‌داند، چالش‌گر بزرگ میدان جنگ‌های آینده شده است. جنگ‌هایی که کشورهای بزرگ و قدرتمند غربی برای تأمین قدرت و امنیت خود با محوریت فناوری دانش پایه شکل و توسعه خواهند داد.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

جنگ ناهم‌تراز، دفاع نبوی، جنگ‌های آینده، دفاع ولایی، بنیان مرصوص

## مقدمه

جان اندریس السن در کتاب معروف خود به نام «جنگ ناهم‌تراز» به نقل از دکتر مولر نقل می‌کند:

”ایران تاکنون یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین دولت‌های خودکامه ... و یکی از اعضای محور شرارت است که در سال‌های اخیر به کانون طرح‌ریزی دفاعی آمریکا تبدیل شده است. ایران پس از جنگ با عراق به‌طور قابل ملاحظه‌ای خود را مجدداً مسلح کرده است. ... (آمریکا) می‌تواند با فرض داشتن قابلیت‌ها و استعداد‌های شناسایی کافی، نیروهای مسلح ایران را در مدت طولانی فلج نماید و از کار بیندازد. در مقابل، شکست دادن و اشغال ایران در جنگ کار بسیار دشوارتر و پرهزینه خواهد بود. معمولاً کشورهای در حال جنگ که از نیروهای نامنظم و سبک پیاده استفاده می‌کنند، نمی‌توان آنها را به راحتی یا به صورت اقتصادی یا از هوا مورد هدف قرار داد.“ (جان اندریس، ۱۳۸۴: ۱۵۳)

آنچه در این مختصر آمد تنها نمونه‌ای از تفکر نخبگان نظامی و دفاعی ایالات متحده در قضاوت و تقابل با کشور ایران تحت حاکمیت حکومت دینی ولی معارض با دنیای تمامیت‌خواه و سکولار غربی است. حقایقی که در این قبیل قضاوت‌ها می‌توان دید شامل موارد زیر است :

- ۱ - ایران قدرتمند ولی در محوری خارج از جریان همسو با غرب است.
- ۲ - ایران در شکل‌گیری کانون طرح‌ریزی دفاعی آمریکا اهمیت ویژه دارد. آمریکا فقط با فرض داشتن قابلیت‌ها و استعدادها کافی قادر است که با ایران وارد جنگ شود.
- ۳ - شکست ایران در جنگ کار بسیار دشوار و پرهزینه‌ای خواهد بود.
- ۴ - کشورهای مثل ایران که از پشتوانه‌ی مردمی در عملیات نامنظم و که عمدتاً از سلاح‌های سبک استفاده می‌کنند به راحتی قابل حمله از هوا و زمین نیستند.

چرا قضاوت‌های این چنین ناامیدکننده‌ای برای دنیای ستیزه‌جوی غربی و آمریکایی درباره‌ی ایران مدام شنیده می‌شود؟ پاسخ اطمینان‌بخش آن است که ملتی بزرگ تحت حاکمیت دینی که انقلاب خود را در ادامه‌ی راه مقدس انبیاء الهی می‌داند به نوعی خاص از دفاع مردم پایه و خدامحور به‌نامی «دفاع نبوی» دست یافته که با رهبریت ولایی پیوند خورده است و سد آهنینی را به‌نام «دفاع ولایی بنیان مرصوص» در جنگ شکل داده است که توانسته آنها را در یک جبهه‌ی منفعل و بی‌تأثیر به چاره‌جویی همه‌جانبه به مدت بیش از سه دهه قرار دهد.

سالیان زیادی بود که بشر در جنگ‌ها بعد از جنگ‌های انبیاء پدیده‌ی اثربخش «معنویت» را تجربه نکرده بود، ولی ایران اسلامی با تکیه بر آموزه‌های انبیاء و رهبران الهی توانست بعد معنوی جنگ‌ها را از نو بازسازی کند و مفهوم مقدسی چون «جهاد در راه خدا» را در معادلات دفاعی ملت‌ها وارد نماید. این شاخصه‌ی مهم از دید سیاستمدار مهم آمریکای جنوبی، چون هوگو رافائل چاوز

فریاس، رئیس‌جمهور ونزوئلا در ششمین سفر خود به ایران در تیر ماه ۱۳۸۶ این‌گونه تفسیر و معنا می‌یابد:

”توانمندی ایران خیلی فراتر از ثروت‌های مادی این کشور است. بزرگ‌ترین غنای ایران، ارزش معنوی حاکم بر این کشور است که می‌توان آن را معنویت سیاسی و روح معنویت ایران نامید و نیز تمدن چندین هزار ساله‌ی کشور که هنوز هم ادامه دارد.“

او در ادامه ”کسانی را که به دنبال روح معنویت هستند“ نیز به ایران «دعوت» کرد و با اشاره به این‌که ”غنای معنوی توانسته ایران را با ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های اروپا و غرب بسازد“ گفت:

” این پیشرفت مغایر با سیاست‌های جمع‌آوری سرمایه است، چراکه تمدن اسلامی متفاوت با تمدن غربی که بر اساس خودخواهی و سرمایه‌داری است، شکل گرفته است.“ (صراف، فریبا، سایت روز آنلاین)

«فرانسیس فوکویاما» نویسنده‌ی کتاب «پایان تاریخ فوکویاما» در کنفرانس بیت‌المقدس با عنوان «بازشناسی هویت شیعه» نیز در این باره می‌گوید:

”شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای که دو بال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ. او بال سبز این پرنده را مهدویت و عدالت‌خواهی و بال سرخ را شهادت‌طلبی که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است، معرفی می‌کند.“

فوکویاما معتقد است شیعه بُعد سومی هم دارد که اهمیتش بسیار است. او می‌گوید:

” این پرنده زرهمی به نام ولایت‌پذیری به تن دارد و قدرتش با شهادت دو چندان می‌شود. شیعه عنصری است که هر چه او را از بین می‌برند، بیشتر می‌شود. در بین کلیه‌ی مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به حکومت فقهی است. یعنی فقیه می‌تواند ولایت و حاکمیت

داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه‌ی نخبگان یا اریستوکراسی افلاطون است.» (مخلص، علی، ماهنامه موعود، شماره ۷۲)

ما در این مقاله در پی ساختاریخشی به این تفکر دفاعی و تحلیل محتوای آن هستیم و تلاش برای یافتن پاسخی به این سؤال و مسئله‌ی مهم که چگونه می‌توان با تکیه به اصل فناپذیر «دفاع نبوی» با نگرش «دفاع ولایی بنیان مرصوص» به مقابله‌ی تهدیدات با نامتقارن پرداخت؟

## بحث و بررسی

### الف) ماهیت و چیستی دفاع نبوی

حرکت انسان در طول تاریخ مدیون دو دیدگاه و نگرش است: اول، آنها که تلاش می‌کنند تا با تسلط بر مردم قدرت خود را عینیت ببخشند. قدرتی که تا مرتبه‌ی به عبودیت خواندن خلق در شکل و فرم «طاغوت» ظاهر می‌شود. دوم، گروهی نیز درست در سوی مخالف آنها، تلاش می‌کنند تا مردم را از عبودیت و بندگی این طاوغیت برهانند و در بندگی و پرستش خداوند خالق هستی داخل کنند و عدالت و قسط را جایگزین ظلم و تبعیض و نابرابری نمایند. اینان «پیامبران الهی» بودند که با سلاح حکمت، تزکیه و تعلیم کتاب مردم و حتی شدت و سختی شمشیر، مردم را به قیام برای اجرا و اقامه‌ی عدالت هدایت و رهبری کردند.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (سوره حدید، آیه ۲۵) همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت در جنگ و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.»

پیامبران الهی برای تحقق رسالت خود مبارزه را از بطن توده‌های مردم و «ناس» آغاز می‌کردند و بنابراین تأکید بر فراخوانی مردم در پیوستن به آنها و گسستن از طاغوت‌های زمانه، اندیشه‌ی توحیدی را در نهاد جامعه‌ی انسانی بسط و گسترش می‌دادند. ابتدائی‌ترین صورت دعوت آنها پالایش و تزکیه‌ی مردم از قیود بندگی غیر خدا یا همان وارستگی از گناه و آزادگی از بندهای اسارت طاغوت است.

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یتزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (سوره جمعه آیه ۲)

همان‌گونه که در این آیات می‌بینیم مؤلفه‌های برجسته و مهم پیامبران در دعوت به سوی خدا و مبارزه با طاغوت‌های زمانه عبارتند از: مردم، عدالت، بینات، حکمت، کتاب، حدید یا آهن یا ابزار جنگی (شمشیر)، ناصران حق از مردم، ابتلا و آزمایش، تزکیه و رهایی از ضلالت و گمراهی.

آخرین پیامبر به‌عنوان کامل‌ترین نمونه‌ی رسولان، دعوت خود را با کتاب آغاز و با شمشیر به پایان رساند (به عنوان نمونه، تلاش پیامبر در بستر بیماری برای اعزام لشکر اسامه به جنگ رومیان کمی قبل از رحلت). کتاب آسمانی او نیز بر این تلاش دو وجهی تعلیم و جهاد مشحون از آیات مختلف است:

- کتب علیکم القتال ... (بقره، ۲۱۶)
- اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا ... (حج، ۳۹)
- قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ... (بقره، ۱۹۳)
- وجاهدوا فی الله حق جهاده ... (حج، ۷۸)
- و ما لکم الا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال ... (نساء، ۷۵)

پیامبر گرامی اسلام جنگ را از حوزه‌ی کشورگشایی و تجاوز جباران و سلطه‌جویان خارج کرد و با قالب‌دهی آن در شکل عبادتی مقدس یعنی «جهاد فی سبیل الله»، جنگ معنوی را پی‌ریزی کرد و توانست به تعبیر دکتر یاسین

سوید، نیروی عظیم قبایل عرب را که در درگیری‌های داخلی در «جنگ‌های قبیله‌ای» به هدر می‌رفت با «عقیده و اندیشه‌ی جهاد» برای گسترش دین به سوی جهان خارج تغییر و معطوف سازد. (سوید، ۱۳۷۸)

پیامبر<sup>(ص)</sup> توانست با موفقیت ضمن نهادینه کردن جنگ در الگوی «دفاع نبوی»، جنگاوران مؤمن را در صفی با بنیان آهنین و مرصوص (سرب‌گونه) به صورت محبوبین خداوند در جنگ و جهاد در آورد. او جنگ را به میان توده‌ها برد و همه را در جنگ و دفاع درگیر و وظایف و مسئولیت‌های مختلف کرد. قدرت ایمان رزمی بنیان مرصوص در آئینه‌ی وحی (قرآن) مکرر بیان شده است:

- ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص (صف - ۴) جنگاوران محبوب
- انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا ... (توبه - ۴۱) بسیج عمومی و همگانی
- يا ايها الذين آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جميعا (نساء - ۷۱) تشکیل گروه‌های رزمی با تسلیحات نظامی
- کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيره ... (بقره - ۲۴۹) پیروزی در جنگ ناهمپراز
- و ما النصر الا من عندالله ... (انفال - ۱۰) تخصیص پیروزی از جانب خدا
- ... يذهب عنکم رجز الشيطان و ليربط علی قلوبکم و يثبت به القدام (انفال - ۱۱) دور کردن آلودگی‌های شیطانی از مجاهد مسلمان و ایجاد همبستگی قلبی بین جنگاوران مؤمن و ثابت قدم نمودن آنها در جنگ
- اذ يوحى ربك الى الملائكة: ۱ - انى معکم فثبتوا (ملائک) الذين امنوا ۲ - سالقى (خدا/وند) فى قلوب الذين كفروا الرعب ... انفال -

- ۱۲) یاری فرشتگان الهی در ثبات و پایداری جنگاوران و رعب انداختن خود خداوند در قلوب دشمنان
- یا ایها الذین امنوا اذا لقیتم فئه فاثبتوا و ذکرُوا الله كثيرا... انفال - (۴۵)
  - ثبات و پایداری در جنگ
  - لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ... انفال - (۴۶) فاصله گرفتن از تفرقه و تنازع در جنگ
  - فاما تتقفنهم فی الحرب فشرذبهم من خلفهم ... انفال - (۵۷) غافل گیری در جنگ
  - ... فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم ... (بقره - ۱۹۴) پاسخ کاملاً مشابه به تجاوز و حملات دشمن
  - ان الذین قالو ربنا الله ثم استقاموا تتنزیل علیهم الملائکه الاتخافو ولا تحزنوا ... (فصلت - ۳۰) و ...

دفاع نبوی با الگوی جنگ‌های ناهم‌تراز و نامتقارن بیگانه نیست و می‌توان گفت که به دلیل شروع انفرادی در یک جنگ نابرابر از لحاظ عده و عده پیامبران، همه نبردهای آنان در شرایط عدم تقارن شکل می‌گرفته است. با نگاهی به آیات وحی در کتاب آسمانی قرآن و الگوهای نبرد پیامبران الهی، گوشه‌هایی از این الگوها و شیوه‌ها را با ماهیت عدم تقارن می‌توان دید.

فلما جاوزة هو و الذین امنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده  
(بقره - ۲۴۹)

و قتل داؤد جالوت (بقره - ۲۵۱)

و چون روبه‌رو شد طالوت و کسانی از موءمنین که با او همراه بودند گفتند ما را امروز تاب مقاومت و جنگیدن با جالوت و لشکریانش نیست. ... نگاه اول نگاه برتری جالوت به لشکر طالوت است. ولی داود با این که به ظاهر یکی از لشکریان طالوت است و شاید هم از کوچک‌ترین و در نگاه اول



ضعیف‌ترین آنها، اما اوست، (در آیه‌ی ۲۵۱ بقره) که موجب قتل جالوت و شکست لشکریان او می‌شود. قرآن بیان می‌دارد که اصل عدم تقارن و پیروزی در شرایط ناهمراز آن نیز میسر است. سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۴۹ مؤید این نکته است:

**کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره.** چه بسیار گروه کمی که بر گروه زیادی پیروز شدند. جنگ طیر یا پرنده با فیل در حکایت اصحاب فیل نیز نمونه‌ای از پیروزی جناح ضعیف بر قوی است. **الم ترکیف ربک باصحاب الفیل،... و ارسل علیهم طیراً ابابیل ... فجعلهم کعصف ماکول.**

مفهوم پیروزی با این‌که مفهومی کیفی است، در قرآن در آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی انفال به صورت کمی و ریاضی بیان می‌شود:

ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبو مائتین....  
 اگر بیست نفر از شما صبور باشید بر دویست نفر غالب می‌شود.

$$20 \times X = 200 \quad \Rightarrow \quad X = 10$$

ده برابر واحد رزم = پایداری در نبرد

این آیه اثباتی بر این مدعاست که پیروزی صرفاً نتیجه‌ی برتری استعداد نیروها و برتری تجهیزات و امکانات نیست. اراده‌ی جنگیدن که تعبیر به صبر می‌شود می‌تواند این موازنه را به سمت ظاهراً ضعیف بر هم بزند. عامل توازن و برابری در نبرد و درگیری با ماهیت عدم تقارن را قرآن، صبر معرفی می‌کند. عامل صبر همان میل به جنگجویی و پایداری در نبرد است که در ترکیب با ذکر و یاد خدا، عامل تعیین‌کننده و کلید نتیجه‌ی جنگ است.

این موضوع در آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی انفال به صورت زیر آمده است:

**... اذا لقیتم فئه فائبتوا و ذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون.** ( ... هر گاه در مقابله با گروهی (از دشمنان) قرار گرفتید پایداری و استقامت کنید و یاد خدا

بسیار نمایند باشد تا بدین واسطه پیروز و فاتح گردید.)

اهمیت روزافزون مقاومت و پایداری تا آنجاست که کسی چون لیدل هارت می‌گوید: «در جنگ آنچه مهم و غیرقابل تخمین است، قدرت تفکر و ذهن بشر است که به هنگام ظهور عنصر «مقاومت» در جنگ خود را نشان می‌دهد. این مقاومت در اشکال بدیع و جدیدی بازدارندگی خود را نشان می‌دهد که نمی‌توان آن را با شبیه‌سازی رایانه‌ای و بازی‌های جنگ مورد تحلیل قرار دهد» (اسنایدر، ۱۳۸۴، ص ۴۰۹). بنابراین، باید اذعان کرد که عامل روانی مقاومت و پایداری و حیوانی، جبران‌کننده‌ی عدم توازن و تقارن فیزیکی و ظاهری در درگیری‌ها و نبردهاست. امری که هر نیروی برتر فرامنطقه‌ای به حساسیت و اهمیت آن در نیروهای مبارز اسلامی - شیعی نیز پی برده و تلاش می‌کند تا آن را به‌عنوان مرکز ثقل مورد حمله قرار دهد و یا آن را از تأثیر تهی سازد. بر همین اساس است که نظریه‌ی دفاع ولایی (ولایت فقیه) با تکیه بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیر به‌عنوان ارکان اندیشه و تفکر دفاع ولایی بنیان مرصوص، جنگ‌های نوین در چهار رکن زیر تعریف می‌شود:

- مرجعیت مقتدر مسلح
- جنگاوران ایمانی (صابران دانش‌محور)
- فناوری اطلاعات
- پایداری و حمایت همه‌جانبه‌ی مردمی (راهبرد مقاومت ملی)

### راهبرد «دفاع ولایی بنیان مرصوص» چالشگر هژمونی غرب در جنگ‌های آینده و ناهمپراز

قدرت سخت و نرم ایران در سال‌های اخیر مرهون اندیشه‌ی ولایی (ولایت فقیه) است. ظهور اندیشه‌ی دفاع همه‌جانبه‌ی انقلاب اسلامی تحت رهبری فقاهت مقتدر امام خمینی<sup>(ره)</sup>، راه را بر سیل ویرانگر جنگ نامتقارن به شیوه‌ی غربی و آمریکایی بسته است که توانست بعد از جنگ ۸ ساله با عراق در ادامه‌ی

تأثیرگذاری بر معادلات نظامی و دفاعی کشورها، توهم پیروزی متداوم با تأثیر ناهمگون و نامتجانس آمریکایی‌ها را با چالش جدی روبه‌رو نماید، به گونه‌ای که اسرائیل ناچار شد برای اولین بار طعم شکست را در یک رویارویی مستقیم بچشد و در جنگ ۳۳ روزه با وجود برخورداری از ضریب ۴۰ در توانمندی تسلیحات و منابع، میدان رزم را به نفع گروه کوچک حزب الله لبنان ترک کند.

آنچه در ادامه‌ی دستاوردهای نبرد یک‌ماهه‌ی حزب الله با اسرائیل قابل درک و دریافت است، از طرفی تأکیدی بر اتخاذ و تبعیت رژیم صهیونیستی از راهبردهای واقع‌گرایانه‌ی غربی (انطباق حقایق سیاسی با حقایق قدرت) است و از طرفی نیز با عکس‌العمل متقابل حزب الله لبنان روبه‌رو است که در شرایط کنونی با عنوان دفاع ولایتی باب جدیدی در اداره‌ی جنگ مبتنی بر راهبرد مرجعیت مسلح و مقتدر دینی با ترکیب فناوری و آرمان‌خواهی معنوی شهادت‌طلبانه‌ی جنگاوران/ایمانی توده‌های مردمی گشوده است (مکتب مقاومت، موضوعی که به نظر می‌آید شوک حاصل از آن تا مدت‌ها بر اتخاذ رویه و راهبردهای واقع‌گرایانه با رویکرد غربی دنیای سلطه و یک‌جانبه‌نگر تأثیرگذار و تفکرات دفاعی آنها را تا آینده‌ای دور به چالش بکشد تا آنجا که باید گام‌های اساسی را در پذیرش تغییر در راهبرد نظامی و دفاعی حداقل در محدوده‌ی خاورمیانه بردارند.

راهبرد مؤثر «دفاع همه‌جانبه‌ی مردمی تحت امر مرجعیت مقتدر مسلح» (مفهوم دفاعی ولایت فقیه) از سوی امام خمینی<sup>(ره)</sup> در ربع قرن اخیر به‌عنوان مبتکر این راهبرد، اقتدار دفاع ملی با رهبری ولایت فقیه، متکی بر فناوری تسلیحات و جنگاوران ایمانی (بنیان مرصوص)، توده‌های مردمی را وارد حوزه‌ی اندیشه‌های دفاعی جهان در خلال جنگ ۸ ساله‌ی ایران و عراق کرد و توانست موجبات تحولی جدی را در تغییر راهبردهای دفاعی و هم‌چنین در موازنه قدرت و تحلیل‌های نظامی عصر حاضر فراهم کند. ایشان حضور دین را در کنار دولت-ملت برای حاکمیت سیاسی که در خلال سیطره‌ی سکولاریسم و تفکر

اومانیستی غرب به شدت آسیب دیده بود و در فضای کشورهای اسلامی و حتی شرقی نفوذ کرده و مورد تأیید قرار گرفته بود، مجدداً احیا کرد. نتایج کلی راهبرد مؤثر نظامی راهبرددفاع ولایی عبارتند از:

- (الف) تعریف جدید و بازکردن حوزه‌ی جدیدی در قدرت دفاعی براساس اعتقادات دینی و پایگاه مردمی
- (ب) دفاع را از حوزه‌ی صرفاً نظامی به سطح مردم و توده‌ها ارتقا داد. طبیعی است که حذف یک قدرت نظامی شاید ساده باشد ولی حذف و نابودی یک ملت تقریباً محال است
- (ج) بسیج و یک پارچه کردن قدرت دفاعی یک ملت برای پشتیبانی از دفاع و جنگ پیش آمده و

(د) نمودی واقعی از عینیت، جنگ، مقاومت و رهایی.

این موضوع به دو نتیجه و هدف راهبردی یکی احراز قدرت بازدارندگی، دوم کسب قدرت مقاومت منجر شده است؛ امری که یکی بعد از دیگری می‌تواند در حوزه‌ی جنگ بسیار سودمند و مؤثر واقع شود. به عبارت دیگر یک ملت یا قدرت بازدارندگی دارد یا اگر در این حوزه نتوانست دشمن را قانع کند، آنگاه با راهبرد افزایش قدرت مقاومت، براساس پایگاه اعتقادی و ایدئولوژیکی ملت را از عواقب تهاجم یک دشمن مصون دارد. (حییبی، ۱۳۸۶)

مبانی نظری اندیشه‌ی حضرت امام<sup>(ع)</sup>، به عنوان منشأ تفکر «مکتب مقاومت»<sup>۱</sup> با تکیه بر هویت فرهنگی و دینی توده‌ها باعث شده تا ظهور و توسعه‌ی قدرت ایران دقیقاً در راستای تحولات ساختار قدرت در روابط بین‌الملل پیش برود. درست به همین دلیل است که میشل فوکو از آن به عنوان «انقلاب پست مدرن»

یاد می‌کند و یا کسی چون فولر از آن به بیان زیر یاد می‌کند: «ایرانی‌ها در روح تاریخ حرکت می‌کنند» (حسینی، ۱۳۸۶)

جایگاه مرجعیت در این رهیافت بر اساس رابطه با توده‌های مردم مبتنی بر ایمان، اعتماد و اطاعت است، همان چیزی که در ترکیب کاریزمایی با اقتدار نظامی می‌تواند هر سدی را از پیش رو بردارد.

الگوی نبرد دفاع ولایی بنیان مرصوص امام خمینی<sup>(ره)</sup> شاخص‌هایی دارد که می‌توان آنها را به‌عنوان ویژگی‌های «مکتب رهایی با مقاومت» به‌صورت زیر نشان داد:<sup>۱</sup>

- مکتب مقاومت واکنشی متقابل در برابر نگرش رئالیسم و نئورئالیسم غربی در روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود،
- میزان «قدرت» را به معنای افزایش سطح و شدت «مقاومت» می‌دانند،
- آنها با نام بازیگران جدید روابط بین‌الملل از الگوی نبرد نامتقارن یا ناهمپراز استفاده می‌کنند،
- تعریف جدیدی از قدرت در مفهوم مقاومت ارائه کرده‌اند،
- نفی ساختار می‌کنند یعنی به چگونگی توزیع قدرت توجهی ندارند،
- قابلیت مقابله‌ی دوجانبه‌ی «سخت» و «نرم» را با هر قدرت سخت‌افزار یا نرم غیرهمسو را دارند،
- دارای کنش گران سیاسی مشتمل بر گروه‌های مقاومت‌محور زیر هستند:

۱ - جنبش‌های اجتماعی و سیاسی آنها «مردم‌محور» است،

۲ - نیروهایی که دارای گفتمان غالب نقد هژمونی هستند،

۱ - یادداشت‌های محقق از درس «اصول روابط بین‌الملل» دکتر ابراهیم متقی در دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۶.

- ۳ - نیروهایی که به تداوم قدرت از سوی دشمنانشان اهمیتی نمی‌دهند و کنش‌گری را نوعی تولید هویت می‌دانند،
- ۴ - نیروهایی که چندان توجهی به بقاء ندارند و به بقا به‌عنوان امری مادی و نابودی فیزیکی اعتقادی ندارند، و
- ۵ - جنبش‌های انقلابی رهایی‌بخش در خاورمیانه، ایران، فلسطین، افغانستان و لبنان از این جمله هستند.
- چگونگی شکل‌گیری مقاومت در آنها تابع نظم زیر است:
    - ۱ - واکنش در برابر تهدید نباید منجر به اعمال تهدیدات مستقیم و شدید گردد،
    - ۲ - ترکیب نیرویی آنها گروه‌های پراکنده‌ی اجتماعی از تمام طبقات مردم است، و
    - ۳ - هدایت گفتمانی مقاومت را از طریق دو روش زیر دنبال می‌کنند:

- متزلزل سازی قدرت از طریق تعریف ناکارآمدی آنها
- بی‌توجهی به تهدیدات حاصل از قدرت
- پاسخ محدود ولی پایدار به اعمال ضربه

معنویت‌گرایی دینی با انقلاب کاریزماتیک یک امام روحانی ولی سیاسی، نقطه‌ی عطف شروع زندگی دینی بدون سکولاریسم را نوید داده، یعنی می‌توان انقلابی بود اما با دین، می‌توان زندگی کرد با مذهب، می‌توان سیاسی بود با نام خدا و می‌توان علم آموخت ولی با معنویت دین‌گرا و در آخر می‌توان جنگید برای دفاع و رهایی.

نتیجه و تأثیر این تفکر تکیه بر راهبرد جنگ علوی به جای جنگ عاشورایی (راهبرد نیروهای قدرت ولایی در موقع عدم استفاده از قدرت) می‌باشد، از آن جهت که در جنگ علوی نیروی‌های خودی در وضعیت برتری نسبی و توان

رزمی کافی قرار دارند و قابلیت ابتکار و اعمال قدرت را نیز دارا هستند.

**جنگ علوی:** می‌جنگند تا پیروز شوند - پیروزی در نبرد با نابودی یا تسلیم

دشمن

**جنگ عاشورایی:** می‌جنگند حتی اگر کشته و شهید شوند - پیروزی در

شهادت با رسوایی و انکار قدرت دشمن

حزب الله لبنان به‌عنوان یک گروه و حزب سیاسی - نظامی اولین جنبش منسجم در راستای نفوذ و گسترش اقتدار نظریه‌ی قدرت ولایتی (ولایت فقیه) در خارج از مرزهای ایران اسلامی است که پا به عرصه‌ی حیات سیاسی تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل گذاشته است. این‌که تا چه میزان این حزب خود را مقید به آرمان‌های ولایت فقیه یا نظریه‌ی قدرت ولایتی امام خمینی می‌داند از این بیان به‌خوبی احساس می‌شود.

”هیچ کس نمی‌تواند که میزان قدرت نظامی ما را تصور کند ... هنگامی که رهبری، مردم را به جهاد دعوت کند، هر یک از ما به یک سرباز مبارز تبدیل می‌شود و بر حسب تکلیف شرعی و در چارچوب عمل به «ولایت فقیه»، مسئولیتش را در نبرد برعهده می‌گیرد.“ (اسداللهی، ۱۳۸۲)

ایران ترکیب، دین، ملیت، جهاد، مقاومت، رهبری اسلامی و مهم‌تر از آن ایمان به پیروزی در سایه‌ی وحدت اسلامی مردم‌پایه را به‌عنوان الگوی پیروز و غالب وارد معادلات درگیری حوزه‌ی جنگ با اسرائیل، غرب و آمریکاییان کرد. نوع حمایت نرم‌افزاری یا به‌عبارتی حمایت معنوی ایران از اصولگرایان منسجم مردم‌پایه در کشورهای مسلمان عربی شکل جدیدی از قدرت نرم ایران را در حوزه‌ی خاورمیانه به نمایش گذاشته است.

الگوی دفاع مردمی همه‌جانبه‌ی امام خمینی<sup>(۵)</sup> عامل شکل‌گیری انتفاضه و مقاومت لبنان است که در دهه ۸۰ به بعد عمده‌ترین منبع الهام گروه‌های اسلام‌گرای خاورمیانه از جمله حزب‌الله و حماس بوده است. افزایش قدرت

سخت ایران در سایه‌ی تحولات هسته‌ای اخیر، نفوذ نرم ایران را در مناقشات آینده تشدید کرده است و تأثیر هسته‌ای شدن اسرائیل را در بازدارندگی به شدت کاهش داده است و در همین راستا نیز سیاست خارجی پراگماتیستی ایران به موازات افزایش فضای مانوری ایران (قدرت نرم) به دلیل حذف طالبان و صدام ایران را به بازیگر اصلی و کلیدی دو زیر منطقه‌ی خاورمیانه یعنی خلیج فارس و منطقه‌ی شامات مبدل کرده است. موارد زیر نیز عامل فزاینده‌ی قدرت و اقتدار سیاسی ایران در حوزه‌ی بین‌المللی شده است:

- افزایش توان علمی و هسته‌ای مستقل ایران
- افزایش قدرت دفاعی خودیار<sup>۱</sup> ایران
- افزایش وابستگی به نفت عمده‌ی کشورهای جهان به موازات توسعه و پیشرفت آنها (خارج شدن انحصار مصرف نفت از حوزه‌ی غرب و آمریکا به همه‌ی کشورهای جهان)

نقش مردم در اندیشه‌های و حیانی انبیاء و رجوع مکرر و اساسی و حتی محوری مبنی بر حضور مداوم توده‌ها در همه‌ی عرصه‌ها از ویژگی‌های ذاتی انبیاء الهی و رهبری دینی بوده است. اساس قدرت دفاعی بر پایه‌ی همین نگرش یعنی کشاندن جنگ به سطح توده‌های مردمی و به کارگیری مؤلفه‌های قدرت ملی با تحقق شعار / از مردم برای مردم علیه دشمنان آنها شکل می‌گیرد. اتفاقاً این نکته در اندیشه‌های استراتژیست معروف کلازویتس نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است و از آنجا که سطح جنگ را متأثر از ۳ عنصر مردم، حاکمیت سیاسی و فرماندهان نظامی می‌داند، تعیین اهداف از وظایف حاکمیت سیاسی، هدایت جنگ به عهده‌ی فرماندهان نظامی و انتخاب نوع جنگ و چگونه جنگیدن بر

---

1 - Self-help



عهدی توده‌های مردمی است. بر همین اساس، مرکز ثقل عملیات روانی و جنگ اطلاعات متوجه هسته‌ی مقاومت و شکل‌دهی جنگ‌ها یعنی توده‌های مردم است. بررسی اجمالی تاریخ جنگ‌ها بر این نکته صحه می‌گذارد که کم‌رنگ شدن نقش مردم در اداره‌ی جنگ و تقویت فرهنگ دفاع و جنگاوری، آسیب‌های جدی از این ناحیه متوجه حاکمیت ملی و سیاسی می‌کند. امری که فرهنگ دینی آن را با مفهوم عبادی «جهاد» همراه ساخته و بنابراین نتوانسته از یک عمل به ظاهر خشونت بار، به یک معنای عبادی و حتی عارفانه‌ی جهاد برای رسیدن به مفهوم لقای خداوند با فرهنگ جهاد و شهادت برسد. یعنی شکل‌گیری مفهوم درهم آمیخته‌ی معنویت سیاسی با معنویت جنگی و نظامی.

همین نکته‌ی ظریف است که دکتر کریستوفر در مقاله‌ی خود به نام «جنگ ناهم‌تراز اهداف یا وسیله‌ها» از حزب الله لبنان به عنوان یک جنبش پست مدرن یاد می‌کند:

”حزب الله مثال بارز یک جنبش جدید است و آنچه آن را هولناک می‌سازد این است که کاملاً یک جنبش پست مدرن است. در طول ده سال گذشته همواره موفق بوده است، در حالی که سازمان آزادی بخش فلسطین شکست خورده است. سازمان آزادی بخش فلسطین باقی مانده‌ی یک مدل قدیمی با شیوه‌ی غربی و تفکر غالب سکولار تحت حمایت شوروی سابق ولی حزب الله یک سازمان جدید، مستقل و کاملاً مذهبی، پست مدرن و یک سازمان با قدرت تطبیقی بالا می‌باشد.“ (السن، ۱۳۸۴: ۳۸۸)

آنچه حزب الله به آن رسیده برگرفته از الگوی موفق دفاعی ایران به نام «دفاع ولایی بنیان مرصوص»، شامل ۴ مؤلفه (رهبری و مرجعیت مقتدر دینی و جنگاوران ایمانی، پایداری توده‌ای و مردمی و به‌کارگیری فناوری تأثیرگذار تسلیحات) می‌باشد. فرهنگ دینی مردم زمینه را برای تأثیرپذیری و قدرت‌سازی با نفوذ علم فقاهت، فلسفه‌ی وحیانی با پذیرش علم تجربی و فناوری مدرن آماده

کرده است؛ از این رو، یک اصل فلسفی «کثرت و وحدت» به ظاهر مستقل از عملیات نظامی می‌تواند به ابزاری برای شکل‌گیری گروه‌های رزمی برای تحقق کثرت در مرتبه‌های عملیات رزمی، وحدت در نتیجه می‌تواند تبدیل شود. محققاً اصل وحدت وجود ضمن اثبات حاکمیت اقتدار الهی در همه‌ی اشیا و حقایق و پدیده‌ها می‌تواند در راستای اصالت‌بخشی به هدایت الهی انبیاء، به‌عنوان مرجع ایمانی و دینی، حضور مقتدرانه‌ی مرجعیت دینی در حوزه‌ی سیاست، حاکمیت، و جنگ که از اساسی‌ترین موضوع حیات یک ملت است را به‌راحتی توجیه کند. نکته‌ی جالب‌تر آن است که حضور مردم در عرصه‌ی دفاع به‌دلیل برخورداری جنگ از ماهیت بی‌نظمی سازگارتر است. این نکته یعنی تکیه بر ماهیت بی‌نظمی جنگ به‌عنوان یک امر طبیعی در صحنه‌ی عملیات توسط ویلیام اس لند در مقاله‌ی «چهره‌ی متغیر جنگ، نسل چهارم جنگ» نیز مورد اشاره قرار گرفته است. (همان، ۴۰۳)

جایی که حضور تشریفات و تمرین انضباط صوری فرهنگ نظامی راه را بر ابتکار دفاعی بسته و جایی برای رشد انرژی‌های نهفته نمی‌گذارد، ابتکار مردمی می‌تواند عامل تحول گسترده در صحنه‌های عملیات رزمی باشد، امری که در طی جنگ ۸ ساله‌ی ایران و عراق بارها به‌وقوع پیوست. آزاد شدن انرژی‌های دفاعی با حضور آگاهانه‌ی مردم در صحنه‌ی نبرد با سهولت بیشتری میسر می‌شود.

### **چگونه می‌توان با تکیه به اصل فناپذیر دفاعی نبوی، مفهوم بنیان مرصوص با رویکرد دفاع ولایی به مقابله با تهدیدات نامتقارن پرداخت؟**

جنگ‌های نسل اول از لحاظ تاکتیکی به‌شدت متأثر از کثرت حضور عوامل انسانی در جنگ و میدان نبرد تابع تاکتیک‌های خطی بود که رابطه‌ی مستقیم و خطی میان متغیرهای صحنه‌ی نبرد وجود داشت. جنگ‌های نسل دوم با محوریت فناوری توپخانه‌ای تابع تاکتیک‌های خطی مبتنی بر آتش و حرکت نیروهای پیاده

است. با آن‌که ترکیب توپ و قدرت زرهی در جنگ جهانی اول نمودار شد، در جنگ‌های نسل سوم، جنگ‌ها عملاً وارد بعد سومی به نام هوا یا قدرت هوایی شدند و تاکتیک‌ها از خطی به غیرخطی مبدل شد. معادله‌ی جنگ تابع غیرخطی متشکل از مؤلفه‌های سه گانه‌ی هوا، دریا و زمین شد. در جنگ نسل چهارم بعد چهارم جنگ یعنی فضا به کمک تجهیزات هوشمند عصر تاکتیک‌های هوشمند با قطعیت زیاد شکل گرفت. جنگ‌های پنجم به دلیل حضور بعد فضای مجازی<sup>۱</sup> یا بعد پنجم جنگ به عصر عدم قطعیت و ابهام در تاکتیک‌ها معروف می‌شود.

نسل اول جنگ از لحاظ تاکتیکی روی جبهه‌ی دشمن و نیروهای رزمی او متمرکز بود. روش جنگ نسل دوم از نظر تاکتیکی وابسته به جبهه باقی ماند اما از لحاظ عملیاتی روی عقبه‌ی دشمن متمرکز یافت. در روش جنگ نسل سوم تمرکز عملیاتی و تاکتیکی هر دو به عقبه‌ی دشمن منتقل شد. در جنگ‌های نسل چهارم از لحاظ عملیاتی و تاکتیکی فضای فیزیکی عقبه‌ی دشمن ولی از لحاظ راهبردی یا استراتژیکی بر مردم و اهداف غیرنظامی و توده‌ها متمرکز شد. در جنگ‌های نسل پنجم تمرکز به عقبه با مرزبندی نامشخص نوعی تلاش از درون با حمله‌ی اطلاعاتی از راه دور دانش پایه‌ای علیه تمامی آحاد جامعه از رهبران تا توده‌های مردمی استوار است. هدف اصلی در جنگ‌های نسل پنجم اراده‌ی درونی همه‌ی نیروها و آنچه در مغزهاست، می‌باشد. (حبیبی، ۱۳۸۶)

جنگ‌های نسل پنجم اساس جنگ‌های پسامدرن آینده‌ی جنگی با ویژگی‌های زیر است:

- جنگ در جغرافیایی مجازی و روان توده‌ها یا همان بعد پنجم جنگ، در فضای عدم قطعیت و ابهام در تاکتیک‌ها

---

1 - Cyberspace

- دانش محوری، دین باوری، پایداری مردمی، موجد فضای عدم قطعیت و عدم تقارن در جنگ‌های آینده
  - به‌کارگیری «فناوری تجاری» و قدرت‌های مردمی ایمان‌گرا یا توحیدمحور به‌عنوان «اهرم فناوری دفاعی»
- عدم تقارن برخلاف آنچه در برداشت و مفهوم اولیه مبنی بر تک وجهی با محوریت فناوری است یک پدیده‌ی چند وجهی می‌باشد که باید در برآورد میزان عدم تقارن با زیگمایی از آن به نتیجه‌گیری برآورد قدرت و توان در رزم پرداخت. حداقل شش وجه برای تعیین وجوه یا اشکال رویکرد نامتقارن می‌توان قائل شد:

- ۱ - فناوری
- ۲ - سازمان رزم
- ۳ - اطلاعات
- ۴ - کیفیت آموزش‌های رزمی، عملیاتی
- ۵ - مفهوم (تدبیر) عملیاتی و تاکتیکی
- ۶ - اراده

رابرت اف. باومن به نقل از اندرو ماک<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «چرا قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های کوچک شکست می‌خورند؟» (فصلنامه‌ی مطالعات دفاعی و امنیتی شماره‌ی ۴۴، ۱۳۸۵) این استدلال را مطرح می‌کند که اراده یا منافع یک بازیگر، نشان‌دهنده‌ی موفقیت یا شکست آن در جنگ‌های نامتقارن است. در واقع، بازیگری که دارای عزم راسخ است، صرف نظر از منابع قدرت مادی به پیروزی می‌رسد. ماک این‌گونه استدلال می‌کند که این اراده از

---

1 - Andrew Mack

نظر منطقی می‌تواند ناشی از ارزیابی ساختار روابط درگیری در جنگ باشد. قدرت نامتقارن مبین منافع نامتقارن است: هر چه شکاف در قدرت نسبی دو بازیگر بیشتر باشد، بازیگر قوی از اراده‌ی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیری سیاسی بیشتر برخوردار می‌شود، و بالعکس اراده‌ی بازیگر ضعیف بیشتر شده و آسیب‌پذیری سیاسی آن کمتر می‌شود.

نامتقارنی اراده به شکل **نامتقارنی در مفهوم پایداری در بعد زمان (راهبرد مقاومت)** متجلی شده است. این نوع راهبرد زمانی کاربرد دارد که یک طرف خواستار طولانی شدن دوره‌ی جنگ و طرف دیگر خواستار کاهش این دوره باشد. نامتقارنی پایداری در واقع به بعد فرهنگی یک ملت در جنگ وابسته است. ملت‌های بسیار عجول که به دنبال نتایج زودرس هستند، در تداوم و پایداری بر اساس قواعد و اصول فرهنگی با خطر بزرگ همراه هستند. امروز ملت‌ها با فرهنگ مقاومت برآمده انقلاب ایران و اندیشه‌های مقاومت‌زای امام خمینی<sup>(ره)</sup> به دنبال کسب برتری حاصل از نامتقارنی پایداری در نبرد با دشمنان به ظاهر نامتقارن حاصل از فناوری برتر هستند. این وجه یا شکل عدم تقارن می‌تواند به شکل عدم تقارن در اتخاذ راهبرد نیز مطرح شود. راهبرد نبردی که به نتایج زودرس نمی‌اندیشد و به آینده به‌عنوان حربه‌ی زمان می‌نگرد، در این تقسیم‌بندی جا می‌گیرد و در تقابل با راهبرد که رهیافت مستقیم یا غیرمستقیم را در دفاع یا حمله در پیش گرفته، می‌تواند با راهبرد مناسب به نوعی از تقابل راهبرداقتضایی دست یابد که شانس بقای در نبرد و جنگ ناهمپراز را برای او افزایش دهد.

آمریکایی‌ها امروزه توانستند معادله‌ی قدرت را نه با تکیه بر قدرت روحی و پایداری در نبرد به دست آورند، بلکه نوعی از معادله‌ی برتری را با فناوری هوشمند با ترکیبی از عملیات روانی شکل داده که مطابق ادعای شوان کلارک فرمانده‌ی عملیات هوایی و قبل از آن هم الوین تافلر در کتاب «جنگ و ضدجنگ» قادرند با هر حمله‌ی هوایی تسلیحات هوشمند کاری را که در دهه‌ی

۵۰ با ۵۵۰ هوایما و در دهه‌ی ۶۰ با ۴۴ فروند انجام دهند. امروز به آن دست یابند. می‌توان چنین برآورد کرد که عامل برتری در انهدام اهداف فیزیکی خود را در حملات هوایی با ضربی معادل ۴۰ برابر همراه کرده‌اند. جنگی با قدرت تأثیرگذار عملیات روانی که آمریکایی‌ها توانستند در دو جنگ بالکان و اشغال عراق از آن به‌خوبی استفاده کردند.

در مقابل این نیروی ناهمپراز و نامتوازن اتخاذ شیوه‌های متعارف با منابع محدود به ظاهر نتیجه‌ای ندارد. چهار جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱)، کوزوو (۱۹۹۵)، افغانستان (۲۰۰۰) و عراق (۲۰۰۳) که به پیروزی غرورآمیز آمریکایی‌ها منجر شده است هم خط بطلانی بر تلاش کلاسیک و متعارف نیروهای نظامی و دفاعی کشیده و هم این‌که کشورهای کوچک‌تر را برای حفظ بقاء در برابر یک جنگ نامتقارن و ناهمپراز به رویکردهای دیگر سوق داده است، به گونه‌ای که دستیابی به راهکارهای با تأثیرات نامتجانس و ناهمپراز به کمک راهبرد حملات متعارف در یک میدان با ماهیت عدم تقارن از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای کوچک در یک نبرد یا جنگ ناهمپراز تبدیل شده است.

سرهنگ فرانس اوسینگا در مقاله‌ی خود عدم تقارن را انحراف از هنجارهای قلمرو رایج درگیری‌ها و جنگ‌ها می‌داند، (السن، ۱۳۸۴: ۳۵۸) و این هنجارشکنی نهفته در ذات نبرد ناهمپراز میدان وسیعی را برای بروز خلاقیت‌ها در عرصه‌ی جنگ فراهم ساخته است. این تأثیر فوق‌العاده، ایده‌ی عدم تقارن را به‌سوی استفاده‌ی حداکثر از همه‌ی ظرفیت‌های دفاع ملی مردم پایبند شرایط زمانی و مکانی متفاوت، ابزار و تجهیزات از پایه‌ی ابتدایی تا منتهای پیشرفت و توسعه‌ی فناوری سوق داده است. این نکته سطح انرژی نهفته‌ی جنگ و دفاع را در ملت‌های ضعیف‌تر و پتانسیل دفاع آنها را به موازات ادامه‌ی جنگ به شرط برخورداری از اراده‌ی دفاع و پایداری و انگیزه‌های قوی‌تر افزایش می‌دهد. ذکر نتیجه‌گیری آقای اوسینگا در این مورد خالی از لطف نیست، مفهوم،

کنونی جنگ ناهمپراز ممکن است پوچ و بحث در مورد آن جار و جنجال انحرافی باشد، اما ممکن است با ایجاد آگاهی از حدود فکری و عملی، اثرات جانبی و تربیتی بسیار مطلوبی داشته باشد. در پرتو اشتباهات استراتژیکی به وجود آمده در دو قرن گذشته هیچ کس نمی تواند اهمیت آن را انکار کند. (همان، ۳۵۹)

خاستگاه نظامی و دفاعی غرب مبتنی بر محوریت فناوری بوده است تا آنجا که بر همین مبنا نسل های جنگ را بر محور تغییرات آن یعنی فناوری تقسیم بندی کرده اند. ولی بررسی جنگ های وطنی یا دفاع سرزمینی این نکته را روشن می کند که به دلیل تبعیت توده های مردمی از فرهنگ انبیاء الهی و غالب بودن فرهنگ و ایدئولوژی دینی، دفاع سرزمینی متکی بر دو عنصر تأثیرگذار (وطن گرایی و دین محوری) می تواند با خلق راهبرد مؤثر «مقاومت» صحنه های درگیری ناهمپراز را به سود خود شکل دهد.

#### پایداری و صبر مهم ترین مؤلفه‌ی «دفاع نبوی»

- فاصبر انّ العاقبه للمتقین (هود- ۴۹): صبر کن چون عاقبت و سرانجام هر کاری از آن متقین است،
- ... و الملائکه یدخلون علیهم فی کل باب سلام علیکم بما صبرتم (رعد- ۲۴)
- ... و نصبرنّ علی ماء اذ یتمونا (ابراهیم -۱۲): پیامبران گفته اند: ... ما بر آزاری و رنجی که شما می دهید، صبر خواهیم کرد.

صبر در نبرد از دیدگاه امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> در خطبه‌ی ۱۹۰ نهج البلاغه

الف) الزمو الارض: محکم بر زمین بایستید.

ب) و اصبرو علی البلاء: و در برابر بلا و سختی جنگ صبر کنید.

پ) و لا تحرکوا بایدیکم و سیوفکم فی هوی السنتکم: دست ها و

شمشیرهایتان را به مقتضای زبانتان به کار نگیرید (یعنی با عقل‌هایتان بجنگید نه با زبانتان، که چون زبانتان چیزی می‌گفت برای اثبات آن نابخردانه دست و اسلحه خود را به کار گیرید).

ت) **ولا تستعجلو بما لم یعجله الله لکم:** آنچه را که خداوند عجله و شتاب را در آن لازم ندانسته شما به‌سوی آن شتاب و عجله نکنید (برای شهادت و شهید شدن، عجله و شتاب به‌سوی مردن نکنید.)، زیرا هرکس از شما اگر در بستر خویش براساس معرفت و شناخت حق خداوند و حق پیامبر و اهل بیت او بمیرد، شهید از دنیا رفته است. **فأنه من مات منکم علی فراشه و هو علی معرفه حق ربّه و حق رسوله و اهل بینه مات شهیداً و وقع اجره علی الله**  
 ث) ... **فأن لكل شیء مده و اجلاً.** برای هر چیزی وقت مشخص و سرآمدی معین است (یعنی باید برای رسیدن به هر نتیجه‌ای صبر و پایداری کرد تا وقت آن برسد).

امیر مؤمنان در خطبه‌ی معروف قاصعه (خطبه‌ی ۱۹۲) جمع میان پایداری و وحدت و حصول به پیروزی و پیشوایی دنیا را این‌گونه بیان می‌کند، بیانی که می‌توان علل پیروزی و شکست ملت‌ها را ادامه آن دریافت:

*”آنگاه که در احوال گذشتگان تفکر و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار و ملزم به امری و کاری شوید که عامل عزت آن‌ها بوده است که توانسته‌اند دشمنان را از سر راه بردارند و برایشان عافیت و سلامت را فراهم کند و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان بگذارد.*

*در احوال مؤمنان قبل از خود در گذشته تفکر و اندیشه کنید که چگونه در سختی و بلا برای پاک شدن قرار می‌گرفتند. کیف کانوا فی حال التمحيص و البلاء: آیا بیش از همه‌ی خلائق مشکلات بر دوش آن‌ها نبود؟ آیا سختی و رنج آن‌ها بیش از همه نبود و احوال آن‌ها در تنگنا قرار نداشت؟*



شما در احوال آن‌ها تفکر کردید آیا ندیدید که فراعنه‌ی زمان چگونه آن‌ها را به بردگی می‌کشاند و بدترین عذاب را به آن‌ها وارد می‌کردند و هر مرارت و سختی را در کام آن‌ها ریختند؟! ذلت هلاکت و قهر غالب و خشونت تمام آن‌ها چندان ادامه می‌یافت که نه راهی برای دور شدن از آن سختی‌ها داشتند و نه راهی برای دفاع و مقابله با آنها.

تا آنگاه که خداوند «صبر و پایداری» آن‌ها را در راه محبت و دوستی خود در آن سختی‌ها و رنج‌ها و قدرت تحمل در خوف و ترس از خود دید (نه از دشمنانشان) پس آنان را از تنگناها و سختی‌ها نجات داد، ذلت آن‌ها را به عزت و ترس آنها را به امنیت تبدیل کرد و آنان را حاکمان و پیشوایان زمین کرد و آنقدر کرامت و بزرگواری به آنها رسید که در خیال خود هم آن را تصور نمی‌کردند. پس اندیشه کنید که آن‌ها در آن رنج و سختی چگونه بودند.

آنان وحدت کلمه و وحدت جمعی داشتند، خواسته‌های آن‌ها یکی، قلب‌هایشان به هم نرم و متمایل، دست‌هایشان مددکار هم، شمشیرهایشان یاری‌کننده‌ی یکدیگر، نگاه‌هایشان به یک سو دوخته و نافذ و عزم‌ها و تصمیم‌هایشان یکی بود (اراده واحد داشتند). آیا آن‌ها ارباب و فرمانروای اقطار زمینی نشدند و پیشوای همه‌ی عالم نگشتند (الم یکنونوا ارباباً فی اقطار الأرضین و ملوکاً علی رقاب العالمین)؟“

### خود سازی و خوداصلاحی مهم‌ترین شاخصه‌ی «جنگاوران ایمانی»

پیروزی در جهاد با خصم بیرونی در آیین نبرد نبوی به یک مقدمه‌ی بسیار مهم نیاز دارد و آن خود اصلاحی به کمک «جهاد با نفس» و به تعبیر نبی اکرم (ص) جهاد اکبر است. جهاد قبل از جهاد، راهبرد فردی هر انسان مجاهد و جنگاور مؤمن است که بدون آن جنگ و مبارزه را از صدر تقدس به پایین و ابتدال فرو می‌کشد.

اصولاً هدف و انگیزه‌ی معنوی، تکامل روانی می‌خواهد و باید همراه با تکامل اخلاقی و تغییر مطلوب در اعمال و رفتار باشد؛ ... جهاد با نفس یک تکامل کیفی در مبارزه‌ی انسان است که او را به هدف مورد نظر (پیروزی) می‌رساند. مبارزه با خویشتن کار مشکلی است که به شخص کمک می‌کند تا از خودخواهی و گرایش به خود، رها شده و از نظر فکری و جنبه‌های عملی، آمادگی برای هرگونه جانبازی در راه هدف‌های انسانی خود را داشته باشد. (حسینیا، ۱۳۷۸: ۲۰۰)

در فتح شامات پس از شکست در جنگ یرموک، موقعی که سپاه روم از دست مسلمانان شکست خوردند، هرقل که در انطاکیه اقامت کرده بود، به امرای لشکر گفت: وای بر شما، آیا آنان مثل شما بشر نیستند؟ گفتند چرا، آنان هم مثل ما بشر و انسانند. پرسید: لشکر و سپاه شما بیشتر بود یا قوا و ارتش مسلمانان؟ گفتند: در هر جبهه‌ای، ما چند برابر لشکر اسلام بودیم.

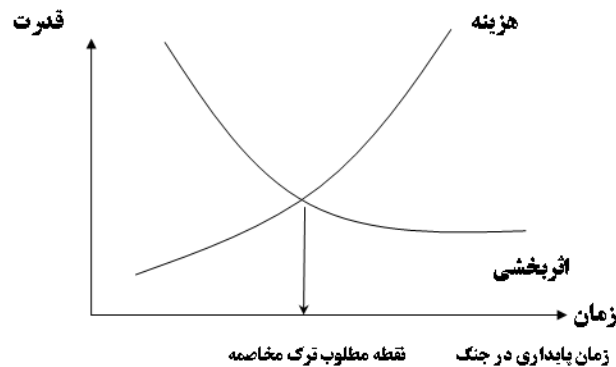
هرقل غضبناک شد و به فرماندهان خود گفت: پس چرا شکست خوردید؟ پیرمردی از لشکریان در جواب سؤال هرقل گفت:

علت غلبه‌ی مسلمانان و شکست رومیان این است که ایشان افعالی دارند و ما نیز اعمالی، مسلمانان و سپاه اسلام شب‌ها برای عبادت قیام می‌کنند و روزها، روزه می‌گیرند و به عهد و پیمان وفا می‌نمایند. امر به معروف و نهی از منکر و زشتی‌ها می‌کنند و انصاف و عدالت را در بین خود برقرار دارند. ولی شکست ما برای این است که سربازان جنگی ما شراب مصرف می‌کنند. زنا و شهوت‌پرستی در بین ما فراوان و مرتکب حرام و گناه می‌شویم، عهد و پیمان را نقض می‌کنیم و غضب و ظلم بر یکدیگر می‌نماییم. مردم را به چیزهایی امر می‌کنیم که باعث خشم خدا می‌شود و از اعمالی باز می‌داریم که پروردگار را خشنود می‌سازد و در روی زمین فساد می‌کنیم. (حسینیا، ۱۳۷۸: ۲۷)

### پایداری در بعد زمان با راهبرد «مقاومت مسلحانه»

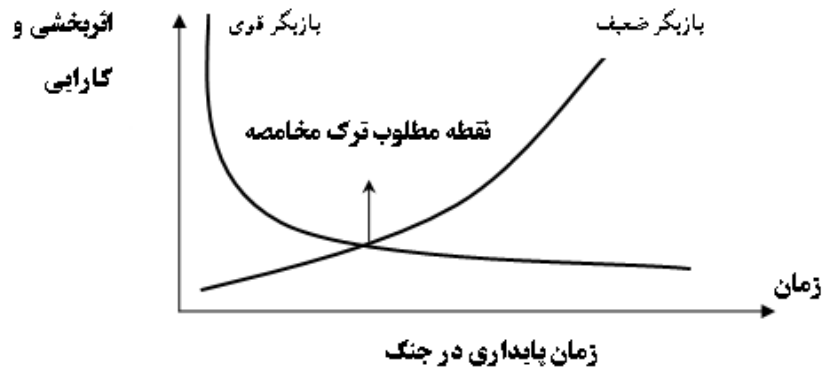
پیروزی مشروط یا شکست قطعی تنها گزینه‌ی ممکن قدرت نامتقارن ابزارمحور در برابر «راهبرد مقاومت» دفاع ولایی بنیان مرصوص است. از آنجا که این نظریه تأثیر خود را طی حدود سه دهه در شرایط عدم تقارن به اثبات رسانده است و از طرفی ابهام در جنگ یا عدم قطعیت، تأثیرات راهبردی از اقدامات تاکتیکی، نتایج و پیامدهای ناخواسته‌ی مفاهیم و نگرش‌های بدیعی هستند که در ادامه طرح دوباره‌ی «راهبرد مقاومت» در شرایط عدم تقارن شکل گرفته‌اند که می‌تواند منشأ دگرگونی و تحولات زیادی در عرصه‌ی دفاع ناهمطراز باشند. مهم‌ترین پیامد آن این است که هدف نبرد ناهمطراز شکست و نابودی قدرت برتر نیست، بلکه مطمئن نمودن قدرت برتر مبنی بر مشروط بودن پیروزی در جنگ است؛ یعنی هدف پیروزی نیست، بلکه جلوگیری از شکست است. پیروزی هم اگر باشد، موقت، مشروط و پرهزینه خواهد بود. (همان، ص ۳۹۰)

ناپایداری در میزان بهره‌وری قدرت در یک نبرد ناهمطراز از عمده‌ترین مؤلفه‌های شکست قدرت و بازیگر قوی‌تر می‌باشد. باید توجه داشت که کارایی و اثربخشی قدرت نیز در حوزه‌ی درگیری و جنگ با ماهیت عدم تقارن یا به عبارتی میزان بهره‌وری از قدرت فناوری برای بازیگر قدرتمند به دلیل محدودیت منابع و توان ادامه‌ی مستمر جنگ در هر نبردی فارغ از ماهیت تقارن یا عدم تقارن به شدت تحت تأثیر مؤلفه‌ی زمان است. مطابق با آنچه در نمودار زیر نشان داده می‌شود، با گذشت زمان میزان بهره‌وری قدرت از فناوری به دلیل بالا رفتن هزینه کاهش می‌یابد که این موضوع میدان نبرد فرسایشی را به ضرر بازیگر قوی تغییر می‌دهد.



شکل ۱ - منحنی فرسایش قدرت با پایداری در زمان

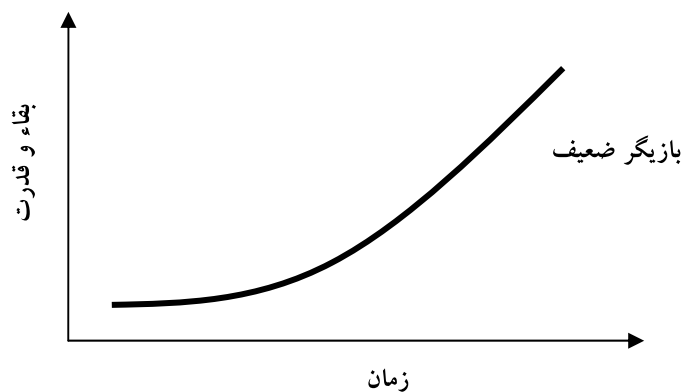
همان‌طور که در شکل مشخص است (شکل ۱) با صبر و پایداری قدرت ضعیف در جنگ و طولانی کردن زمان نبرد، عامل فرسایش، دو اثر بسیار مهم را بر میزان برخورداری و بهره‌برداری بازیگر قوی از قدرت متمرکز فناورپایه‌ی خود شاهد خواهد بود: اول، افزایش هزینه و دومی هم کاهش اثربخشی. هزینه از آن رو افزایش می‌یابد که میل به پیروزی سریع قدرت برتر را در توالی هزینه‌های بسیار زیاد در حداقل زمان قرار می‌دهد و از طرفی هم اثربخشی به دلیل به هم خوردن نسبت هزینه - فایده در طول زمان به شدت به صورت تصاعدی کاهش می‌یابد، امری که همه‌ی ما آن را در باتلاق جنگ ۳۳ روزه برای رژیم صهیونیستی شاهد بودیم. شکل ۲ نقطه‌ی ترک جنگ و خروج از درگیری برای بازیگر قوی را نشان می‌دهد و آن هنگامی است که بهره‌وری (اثربخشی و کارایی) عملیات خصمانه علیه بازیگر ضعیف در حداقل نقطه‌ی تأثیر قرار می‌گیرد. (حبیبی، ۱۳۸۷)



شکل ۲ - منحنی تشخیص نقطه مطلوب خاتمه‌ی جنگ برای بازیگر قوی

این نمودار می‌تواند بیان‌کننده‌ی واقعیت‌های زیر نیز گردد:

- ۱ - فرسایشی شدن جنگ میزان اثربخشی و کارایی قدرت بازیگر قوی را کاهش می‌دهد.
- ۲ - میزان بهره‌وری (اثربخشی و کارایی) قدرت بازیگر ضعیف با گذشت زمان افزایش می‌یابد.
- ۳ - به دلیل کاهش تدریجی بهره‌وری از میزان قدرت در طول زمان، بازیگر قوی تلاش دارد با حملات یکپارچه موازی، قاطع و ایجاد شوک در زمان اندک شرایط تسلیم و شکست را بر بازیگر ضعیف تحمیل کند.
- ۴ - محل تلاقی دو محور می‌تواند نقطه‌ی ترک مخاصمه باشد که شرط برد - برد همراه باشد و گرنه بازیگر قوی باید صحنه را به نفع بازیگر ضعیف در آینده‌ی نه چندان دور ترک کند.
- ۵ - منحنی صعودکننده‌ی قدرت بازیگر ضعیف (شکل ۲)، در طی زمان می‌تواند بیانگر افزایش تدریجی هزینه‌های بازیگر قوی نیز محسوب شود. به منحنی مفروض در شکل ۳ توجه کنید.



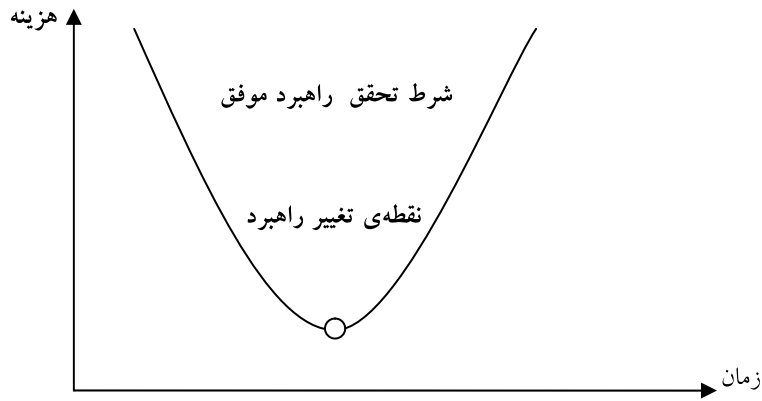
شکل ۳ - منحنی تأثیر زمان در بقاء و قدرت بازیگر ضعیف

۶ - تفاوت در استراتژی‌های هر دو بازیگر (منحنی‌های ۱ و ۳) این اختلاف و تمایز را برای هر کدام توجیه می‌کند:

الف) راهبرد بازیگر ضعیف «بقا محور» است که با گذشت زمان «بقا» تأیید می‌شود.

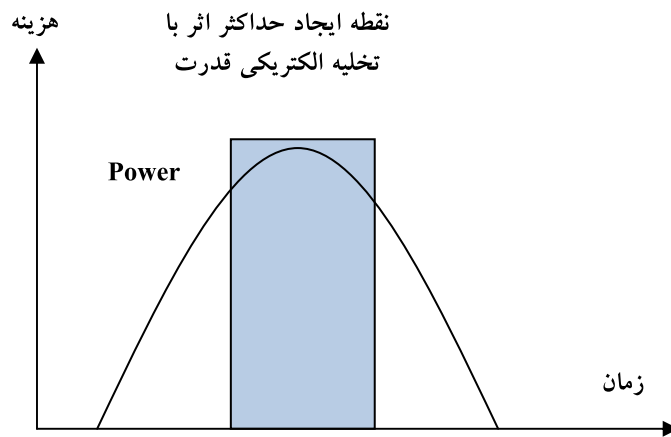
ب) راهبرد بازیگر قوی «هزینه - منفعت» محور است که با گذشت زمان افزایش هزینه او را از دستیابی به راهبرد منفعت بیشتر دور می‌کند.

راهبرد موفق مدیریت همزمان ۴ موضوع (هزینه، منفعت، زمان و قدرت است) در غیر این صورت، می‌بایست یا به فرسایش جنگ قدرت و بازیگر قوی تن دهد یا این که صحنه‌ی جنگ را با عدم تحقق هدف ترک نماید، نکته‌ای که در سال ۲۰۰۶ جنگ ۳۳ روزه حزب الله - رژیم صهیونیستی به نمایش در آمد.



شکل ۴ - منحنی تشخیص نقطه‌ی تغییر راهبرد در ادامه‌ی جنگ

برای حصول به پیروزی در کمترین زمان دلخواه که مطلوب بازیگر قوی‌تر در صحنه‌ی نبرد است می‌بایست به اصل همزمان‌سازی کاربرد توان<sup>۱</sup> در زمان نامحدود با راهبرد تهاجمی تأثیرمحور با الگوی منحنی در شکل ۵ توجه کرد:



شکل ۵ - منحنی ایجاد حداکثر تأثیر در حداقل زمان

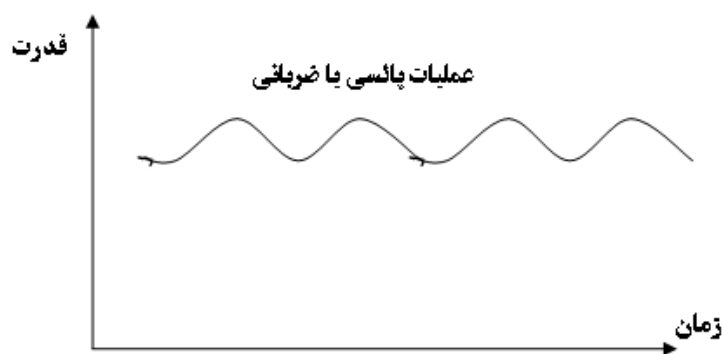
1 - Synchronization Power in Infinitesimal Time

$$F_F = \frac{MV}{\Delta T} = M \frac{dv}{dt}$$

$$F \cdot dt = M \cdot dv$$

جرم یا اندازه توده قوای رزمی × مشتق سرعت = قدرت نیروی رزمی × مشتق زمان  
 این منحنی نشان می‌دهد که تأثیر بخشی قدرت در کمترین زمان برابر خواهد بود با جرم شدت حملات نیروهای تاکتیکی و رزمی در بیشترین سرعت یا تحرک عملیاتی. به این ترتیب، برای احراز حداکثر تأثیر لازم است که در قسمت هاشور بازیگر قوی با سینرژیک و همگرایی قدرت نوعی تخلیه‌ی الکتریکی قدرت را به‌طور ناگهانی اعمال کند تا حداکثر نتیجه در جنگ حاصل شود. بنابراین، بازیگر قوی ضمن ایجاد جنگ موازی با افزایش تعداد و تحرک حملات هوایی با تأثیرمحوری در جنگ تلاش دارد که به پیروزی قاطع در جنگ دست یابد.

اگر بازیگر ضعیف با اتخاذ راهبرد «بقا» پایداری و مقاومت را با تحمل ضربات و حملات بازیگر قوی پاسخ دهد، آنگاه قوی می‌تواند به جای تخلیه‌ی آنی انرژی به راهبرد «عملیات ضربانی» روی آورد (شکل ۶) نتیجه‌ی «عملیات ضربانی» بر اساس نمودار شکل ۶ است:



شکل ۶ - منحنی پیروزی مشروط بازیگر قوی



یاد آوری این نکته حائز اهمیت است که با اجرای عملیات ضربانی می‌بایست دامنه‌ی حملات را کاهش داد. بنابراین، این امر می‌تواند اثربخشی و کارایی یا به عبارتی بهره‌وری عملیات را کاهش دهد. ولی به دلیل فرسایشی بودن بازیگر قوی می‌تواند در صورت ادامه‌ی پایداری بازیگر ضعیف در تشخیص نقاط بهینه ترک مخاصمه با توجه به واکنش‌های ضعیف فقط به «پیروزی مشروط» به جای «پیروزی قاطع» قناعت کند؛ امری که می‌تواند شرایط برد - برد را در یک نبرد ناهمراز ایجاد نماید، چرا که بقای بازیگر ضعیف علی‌رغم آسیب شدید هنوز تأمین است.

### ویژگی‌های جنگ با تکیه بر الگوی بنیان مرصوص دفاع ولایتی

#### ۱ - جهادی مقدس و بایی از ابواب بهشت

جنگ‌ها در این نگرش و حیانی تحمیل مناقشه‌ی نامطلوب و زنده که بیانگر روح وحشیگری حاکمان و قاسطین باشد نیست؛ بلکه تعبیر نبرد در رکاب امام صالح و پیروی نبی مرسل نشانه رحمت الهی است که امام متقیان<sup>(ع)</sup> در خطبه ۲۷ نهج البلاغه آن را به شکل زیر بیان کرده است:

...ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اولیائه و هو لباس تقوی و درع الله الحصینه و جنته الوثیقه فمن تركه رغبه عنه البسه الله ثوب الذل و شمله البلاء و ...

جهاد دری از درهای بهشت است که خدا آن را فقط بر اولیاء خاص خود می‌گشاید. جهاد لباس نگاهدارنده و زرهی محکم و سپر مطمئن خداوند است کسی که آن را ناخوش دارد خداوند بر او لباس ذلت و خواری می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت اش می‌کند ... (دشتی، ۱۳۸۳: ۷۵)

## ۲- اخلاص و خوداصلاحی جنگاوران مؤمن

سربازان و جنگجویان این الگو فارغ از تحمیل و اجبار با معرفت و اخلاصی زاده‌ی عبادت و بندگی حضرت حق و متابعت از فرمان رسول و آن‌که از طرف پیامبر (ص) ولایت دارد، تلاش می‌کنند تا خود را رها از قیودات روزمره و دست و پا گیر دنیوی برهانند و با یک خودسازی انقلابی و مکتبی «خود اصلاحی درونی» را به‌عنوان کانون و منشأ انرژی پایداری در جنگ در سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دهند.

- "فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ: تا آنجا که می‌توانید تقوای الهی داشته باشید." (سوره‌ی تغابن، آیه‌ی ۱۶)
- "لَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: کسانی که در راه ما جهاد می‌کنند به یقین آنها را به‌سوی سبیل خود هدایتشان می‌کنیم." (سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹)
- "مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ: محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند. همواره آنان را در رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند؛ نشانه‌ی آنان در چهره‌شان از اثر سجود پیداست." (سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹)

## ۳- ایمان مطلق به برتری و حقانیت راه

اینها به‌دلیل آن‌که خداوند آنها را هدایت می‌کند خود را در سیر هدایت تکاملی می‌بینند.

- "اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

أُولِيَاءُ وَهُمْ الطَّاعُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها [ای جهل، شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد، و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طاعوت است که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌اند.“ (سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۷)

• ”الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاعُونَ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا: آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاعوت می‌جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید که یقیناً نیرنگ و توطئه‌ی شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی پایه است.“ (سوره ی نساء، آیه ی ۷۶)

• ”إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آن‌که بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و [خود در راه خدا] کشته می‌شوند [خدا آنان را] بر عهده‌ی خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] وعده‌ای حق، و چه کسی به عهد و پیمانش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این داد و ستدی که انجام داده‌اید، خوشحال و شاد باشید، و این است کامیابی بزرگ.“ (سوره ی توبه، آیه ی ۱۱۱)

#### ۴- پایداری و استقامت نامحدود

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ... : ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید.

امرهایی که در این آیه آمده یعنی امر «اصبروا» و «صابروا» و «رابطوا» و «اتقوا» همه مطلق و بدون قید است، در نتیجه صبرش، هم شامل صبر بر شداید می‌شود و هم شامل صبر در اطاعت خدا، و هم چنین صبر بر ترک معصیت و به هر حال منظور از آن صبر تک تک افراد است، چون دنبالش همین صبر را به صیغه‌ی «مفاعله- صابروا» آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده‌ی فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد.

و صابروا عبارت است از این که جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد و این معنای امری است که هم در فرد محسوس است و هم در اجتماع. چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه‌ی نیروها یکی شود.

«و رابطوا» رابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شداید و رابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید، بلکه همه‌ی نیروها و کارها، در جمیع شؤون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی. (طباطبایی، ص ۱۴۴)

#### ۵- ایمان به پیروزی نهایی و قطعی

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ، وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ...

خدا به کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، وعده داده که به طور قطع ایشان را در زمین جانشین سایر اقوام کند، هم چنان که قبل از ایشان را خلیفه و جانشین کرد، برای این که دینی را که برای آنان پسندیده برایشان رونق دهد و مسلط کند، و باز برای این که بعد از عمری ناامنی خوفشان را مبدل به امنیت سازد ... (سوره ی نور، آیه ۵۵)

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بَنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيُدِينَا، فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ: بگو به ما نمی رسد مگر آنچه خدا برای ما مقدر کرده، سرپرست ما او است، و مؤمنین باید که بر خدا توکل کنند، بگو آیا جز رسیدن یکی از دو خیر را برای ما انتظار دارید (شما هر چه برای ما آرزو کنید هر چند کشته شدن ما باشد به نفع ما است) ولی ما انتظار داریم عذابی از ناحیه ی خدا و یا به دست خود ما بر سر شما آید، حال شما انتظار خود را بکشید که ما هم با شما در انتظار هستیم. (سوره ی توبه، آیه ی ۵۲).

#### ۶- اطاعت پذیری مطلق از فرماندهی

- "وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ: خدا و رسول را اطاعت کنید." (سوره ی تغابن، آیه ی ۱۲)
- "قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ: بگو اگر دوستدار خدا هستید مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد." (سوره ی آل عمران، آیه ی ۳۱)

#### ۷- قاعده ی انتظار و اصل وفاداری

"مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا" (سوره ی احزاب، آیه ی ۲۳)

"أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ" (سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰۵)

## مؤلفه‌های عملیاتی تکرش دفاع ولایی بنیان مرصوص

### ۱ - دامنه‌ی زمانی نامحدود

دامنه‌ی زمانی این نوع جنگ‌ها نامحدود است و نمی‌توان زمانی را برای پایان آنها پیش‌بینی کرد. مبارزه‌ای بی‌امان و دائمی برای دفع شر و فتنه، بی‌عدالتی و ظلم‌انگاری. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ. (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۳) و همین‌طور در سوره‌ی انفال - ۳۹ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ. ... با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد ...

هنگامی که آقای جورج بوش در اول می سال ۲۰۰۳ در عرشه‌ی ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن اعلام که «مأموریت انجام گردید»<sup>۱</sup> وی در واقع پایان «جنگ متعارفی» را اعلام نمود که آمریکا با برتری کامل به آن دست یافت. ولی غافل از آن‌که «جنگ دومی» ولی نامحدود هنوز در راه است. این جنگی است که آمریکا همواره بعد از شکست در ویتنام سعی در دوری از آن را داشته است، ولی ایده‌های جنگ مردم پایه، اصل «دفاع نبوی»، آنها را در اجبار تمام به خود مشغول خواهد کرد.

### ۲ - دشواری در ارزیابی و تعیین دقیق نقطه‌ی حمله به دلیل اصل عدم قطعیت

#### و ابهام در جنگ

جنگ‌های مردم پایه در عین سادگی ظاهری به دلیل رویکردهای نامتقارن کارا و مؤثر، دارای چند ویژگی هستند. این رویکردها به لحاظ تنوع در انتخاب هدف، اقدامات غیر منتظره‌ای هستند و احتمالاً مؤثرترین پاسخ آنها نیز پاسخی مغایر با شرم و غریزه (نظامی) خواهد بود. پاسخ‌های مبتنی بر شرم و غریزه ممکن است وضعیت

1 - Mission Accomplished

را وخیم‌تر سازد، از آن رو که فضای عملیاتی نبرد نامتقارن به شدت تحت تأثیر مؤلفه‌ی ابهام و عدم قطعیت قرار دارد. به‌طور طبیعی، عمده‌ی قوا در مقابله با آشکارترین تهدید و قوی‌ترین آن به لحاظ تأثیر ممکن است به‌کارگرفته شود. در حالی که در همان وضعیت پیش‌آمده ممکن است در پیش گرفتن ابتکاری خلاق و هوشمندانه ساده‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین تاکتیک یا ابزار حداکثر تأثیر را داشته باشد.

برای روشن شدن بیشتر این مفهوم می‌توان آن را با جنگ تسلیحات مرکب با ترکیبی از اقدامات متقارن و نامتقارن قیاس کرد. غالباً دشمنی که هدف حملات تسلیحات مرکب یا جنگ‌های ترکیبی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرد، مجبور می‌شود تا برای مقابله با آشکارترین تهدید بخش عمده‌ی قوای خود را برای مقابله با نوع دیگری از حمله که احتمالاً تصورش سخت‌تر ولی در همان حال مخرب‌تر است، به‌کار گیرد.

گروه‌های مبارز مسلمان در عراق شامل گروه «الفرقان» و «جیش المجاهدین» علیه آمریکایی‌ها و یا گروه‌های مبارز «حزب الله» و «حماس» بر علیه رژیم صهیونیستی نمونه‌های موفق از این نمونه هستند. آنها در این نوع جنگ امکانات همگون و ناهمگون خود را با توجه به امکانات و تسلیحات دشمن و نیز نتایج مورد انتظار «ترکیب» می‌نمایند.

### ۳ - قابلیت ایجاد شیخ قدرت (القای آسیب مجازی)

حضور همه‌ی مردم در جنگ و دفاع سمت حمله را در یک بی‌سمتی و شیخ قدرت قرار می‌دهد. همیشه در جنگ‌ها، جنگجویان برای تخریب روحیه‌ی طرف مقابل بیشتر از شیخ توان ضربه زندگی خود بهره می‌برند تا از توان واقعی‌شان. بنا به اعتقاد کلاوزویتس «نباید جنگ را یک خونریزی و کشتار دو طرفه (میان خود و

1 - Hybrid War

دشمن) فرض کنیم، بلکه انهدام روحیه‌ی دشمن از کشتن سربازانش مؤثرتر است». الگوی دفاع نبوی نبرد فتح مکه پیامبر(ص) با گسترش شبانه و آتش‌افروزی در بیابان‌ها بهترین مثال در ایجاد شبح قدرت و ایجاد وحشت در نیروهای مقابل است.

#### ۴ - نداشتن مرز و هسته‌ی معین جغرافیایی

در جنگ‌های متعارف محدوده‌ی جغرافیایی خاصی به‌عنوان صحنه‌ی درگیری در نظر گرفته شده و تمامی محاسبات براساس این صحنه انجام می‌پذیرد، اما در جنگ‌های همه‌جانبه‌ی مردمی صحنه‌ی نبرد یا به‌عبارت دیگر بهترین صحنه‌ی نبرد، صحنه‌ای است که امکان وارد آوردن بالاترین ضربه به دشمن وجود دارد و این صحنه می‌تواند هزاران کیلومتر دور از خانه‌ی جنگجویان مهاجم و حتی در خانه‌ی دشمن باشد. به همین دلیل نمی‌توان محل و مکان جغرافیایی خاصی را برای حضور هسته‌های رزمی تصور و کانون معینی را به‌عنوان هسته‌ی مرکزی حضور جنگجویان ناهم‌طراز آن تعریف کرد. نکته‌ی حائز اهمیت در این است که جنگجویان ایمانی بر اساس اعتقاد و ایمانشان می‌جنگند، بدین ترتیب، مرزهای جغرافیایی را به رسمیت نمی‌شناسند. چه بسا نیروهای رزمی اعتقادی، در کشوری دیگر نیز با الگوی مشترک صحنه‌های جنگ و عملیات را برای نیروهای متخصص تعریف کنند، مشابه با آن‌که در کشور خودشان علیه دشمن واحد انجام می‌دهند.

#### ۵ - حداکثر استفاده از نیروهای رزمی مردمی و یگان‌های تاکتیکی کوچک و

##### خودکفا

برخورداری از پشتیبانی و لجستیک نهان و آشکار مردمی می‌تواند نیروهای عملیاتی را برخوردار از قابلیت‌های چشمگیری در زمینه‌ی استقرار سریع و به‌موقع در مواضع مورد نظر و انجام عملیات‌های قاطع و کوبنده بنماید و عملیات ویژه‌ی



نیروهای معمولی را تقویت نموده و اثرات عملیات‌های انجام شده توسط آنها را تا حد زیادی افزایش دهند. این نیروها می‌توانند در شرایطی که به یک نیروی بسیار متخصص و در عین حال کوچک و کم حجم نیاز باشد، به صورت مستقل و خودکفا به کار روند.

#### ۶- تأکید بر به‌کارگیری سلاح‌ها و فناوری روز آمد در صحنه‌های متفاوت عملیاتی

فناوری تسلیحات می‌تواند منشأ تحول اساسی در عرصه‌ی جنگ به موازات تحولات بنیادی حاصل از عصر اطلاعات باشد. بنابراین، الگوی دفاع ولایی بنیان مرصوص ضمن آن‌که ارتش‌ها را از سربازمحوری به فناوری و تاکتیک‌محوری سوق داده است، نتیجه‌ی نهایی این الگو، کوچک‌تر شدن سازمان‌دهی نیروهای درگیر در عملیات و به تبع آن ایجاد نیروهای واکنش سریع و پرهیز از درگیری رویارویی و جنگیدن بدون برخورد<sup>۱</sup> به کمک توسعه‌ی فناوری موشکی، هواپیماهای بدون سرنشین رزمی، به‌کارگیری ماهواره‌ها و حملات اطلاعاتی در فضای نبرد مجازی است که نمونه‌های تأثیربخش آن را می‌توان در ساختار دفاعی ایران و حزب الله لبنان مشاهده کنیم.

#### ۷- قابلیت ایجاد هم‌افزایی عملیاتی

هدف اصلی جنگ‌های ترکیبی "دوری از قدرت رزمی متعارف دشمن یا عدم رویارویی مستقیم با ارتش متعارف و تهاجم به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمن با استفاده از ترکیب خلاقانه و نوآورانه‌ی امکانات ساده و تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها به روشی پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی" می‌باشد. در واقع، ترکیب

---

1 - Stand - Off

امکانات مجزا و ساده و غیرپیشرفته باعث «هم‌افزایی عملیاتی»<sup>۱</sup> می‌گردد. به عبارت دیگر، با تجمیع و ترکیب امکانات نظامی موجود که عمدتاً در مقایسه با امکانات دشمن در سطح بسیار پایین‌تری قرار دارد و چنان‌چه به صورت مجزا به کار روند نمی‌توانند تأثیرات مورد انتظاری را ایجاد نمایند، می‌توان به یک هم‌افزایی عملیاتی دست یافت. (اسفندیاری، ۱۳۷۸)

### سناریوی دفاع محتمل یک جنگ ناهم‌تراز با الگوی بنیان مرصوص دفاع ولایی

راهبرد واقع‌گرایی عدم تقارن نظامی آمریکا مبتنی بر بربریت یا انهدام ارزش‌های رقیب یا در هم شکستن اراده‌ی تداوم جنگ با به‌کارگیری هر اقدام نظامی فارغ از هرگونه محدودیت یا قوانین جنگی. به‌طور عادی، هدف رهیافت مستقیم انهدام ظرفیت جنگی رقیب است. در رهیافت غیرمستقیم انهدام اراده‌ی جنگی، آمریکا با عملیات موازی و راهبرد بربریت تلاش می‌کند با رهیافت مستقیم نتایج غیر مستقیم را کسب کند:

- بمباران سنگین موازی و فراتر از انتظار برای حمله به همه چیز و همه‌کس با اولویت حلقه‌های واردن
- ایجاد یأس و ناامیدی ملی و نابودی برای کاهش توانایی جبران یا قدرت تلافی (یأس ملی)
- بازگذاشتن راهکار سیاسی و نظامی برای خروج از وضع خطرناک و ناامیدی مطلق پیش آمده
- در حوزه‌ی فرهنگی خود باختگی و کاهش حرارت ایمانی در قلب‌ها با تشکیک و تردید در مبانی دینی و تقدس‌زدایی

---

1 - Operational Synergy

- در حوزه‌ی اقتصادی وابستگی شدید دولت به دخالت‌های اقتصادی به‌جای نظارت که نتیجه‌اش غافل شدن دولت از دنبال کردن راهبردهای مهم و حیاتی‌تر است
- در حوزه‌ی سیاست ایجاد ارعاب و ترس و تحقیر دولتمندان برای پذیرش القائنات سیاسی
- در حوزه‌ی شناختی یا ادراکی بسیج یا توده‌های مردمی جنگ اطلاعات روانی برای از هم‌گسیختگی مقاومت، پایداری و فرمان‌پذیری از مجتهد مسلح مقتدر و اقتدار شکنی از مفهوم دفاع ولایی
- تهدید آمریکا در حوزه‌ی راهبردی، تجزیه‌ی کشور و کم کردن عمق راهبردی دفاعی است. در حوزه‌ی عملیاتی اجرای جنگ شطرنجی با هدف گسترش فضای مانور خود و عددسازی قابلیت‌های تاکتیکی و عملیات با کسب تمپو یا زمان حرکت مؤثر

### دفاع ولایی در برابر تهاجم سیستمی

#### ۱ - تهاجم اندام وارگی سیستم‌های دفاعی - نظامی

- باید به سیستم مغز و اعصاب حمله کرد (یعنی فرماندهی، کنترل و ارتباطات)
- که نتیجه‌ی آن، اختلال در تصمیم‌گیری رقیب و انزوای<sup>۱</sup> واحدهای رزمی و باعث از دست رفتن هم‌افزایی و سینرژیک نیروهای آنها می‌شود

اقدام متقابل این دکترین: تشکیل سلول‌های رزمی مستقل

---

1 - Isolation

## ۲- تأثیر محوری در حمله به مراکز ثقل

اقدام متقابل این دکترین: ایجاد شناوری مراکز ثقل و تغییر ماهیت آنها به اهداف ثانویه

۱- حمله به سیستم‌های هاضمه، سامانه‌ی آماد و لجستیکی (موقت، غذا، درمان، دارو) و زیرساخت‌ها

اقدام متقابل این دکترین: استقلال در آماد و پشتیبانی

۲- حمله و ایجاد فلج سیستم عضلانی و یگان‌های مانوری و عملیاتی  
اقدام متقابل این دکترین: پراکندگی در یگان‌های رزمی و غیر قابل شناسایی  
کردن آن و گم شدن یگان‌های مانوری در طبیعت است

۳- حمله به سیستم روحی و روانی با هدف گرفتن اراده‌ی جنگیدن.  
اقدام متقابل این دکترین: صبر و پایداری و ایمان معنوی در جنگ تا شهادت  
و دل‌سپاری به ولایت و رهبری عادل در جنگ  
ما در جنگ ناهم‌تراز باید بیاموزیم که:

- به جای پرداختن به فناوری بیشتر و فناوری زدگی تکنوکراتیسم به تربیت فرماندهان با آموزش رزمی و ایمانی، تدوین و مهم‌تر از آن اجرای دکترین، کسب تجربه‌های عمل و میدانی در رزم پردازیم.
- شکل‌گیری ماهیت جنگ آینده تابع بومی کردن جنگ‌های آینده است.
- دکترین دفاعی تاکتیک‌های دفاعی را ایجاد نمی‌کند.
- ما دفاع می‌کنیم تا بمیریم نه این‌که بمیریم تا دفاع کرده باشیم.
- فرهنگ عاشورایی را به فرهنگ علوی تبدیل کنیم.
- آموزش و کیفیت آن طبقه‌بندی دارد نه کمیت‌های اعتباری قابل تغییر روزانه و الگوهای ذهنی دائم‌التغییر.

- برآورد ارزش عملیاتی هر کار و آموزشی باید مشخص باشد.
- تک مداوم با الزامات محلی با هدف رساندن دشمن به آستانه‌ی تحمل یک ضرورت است.
- ارجحیت عملیات پیش‌دستانه<sup>۱</sup> بر عملیات پیش‌گیرانه<sup>۲</sup>.
- اشباع صحنه از هدف‌های کاذب.
- حمله‌ی پیش‌دستانه (ایجاد ابتکار عمل در جنگ) برای ممانعت از درک شوک اولیه.
- دفاع غیرخطی با ایجاد هسته‌های رزم هوایی و زمینی - دریایی.
- دفاع غیر عامل مبتنی بر فریب نظامی.
- تعیین نقطه‌ی خروج از جنگ با توجه به منحنی هزینه - منفعت.
- تشخیص خطوط هراس داخلی و مدیریت بحران.
- مدیریت جنگ رسانه‌ای.

اگر آمریکایی‌ها تلاش نمایند تا از طریق «عملیات نقطه‌ای» برخی از مناطق نظامی، صنعتی و استراتژیک ایران را هدف‌گیری نمایند، در آن شرایط، ایران از «حق دفاع مشروع» استفاده کرده قادر خواهد بود تا به اقدامات واکنشی در چارچوب «ضربه‌ی دوم» مبادرت نماید. طبعاً ضرورت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که از الگوی ضربه‌ی اول که ماهیت تهاجمی دارد، خودداری به عمل آورد؛ اما این امر به مفهوم «انفعال استراتژیک» محسوب نمی‌شود. در شرایط بحران، کشورها باید آمادگی لازم برای مقابله با تهدیدات امنیتی را داشته باشند. اگر ابزارهای نظامی و انگیزه‌ی استراتژیک ایران در شرایط مطلوب قرار داشته باشد، بدیهی است که امکان انجام عملیات آمریکا در

1 - Preemptive

2 - Preventive

چارچوب به‌کارگیری نیروی نظامی گسترده و یا نیروهای ضربتی با انگیزه‌ی تخریب نقطه‌ای کاهش خواهد یافت. (دکتر متقی، روزنامه همشهری، ۳۰ دی ۱۳۸۵).

هدف آمریکا در جنگ نه اشغال و فتح کشور به‌صورت نظامی است، بلکه گرفتن زمان از ما و عقب‌نگه‌داشتن توان نظامی و دفاعی با حداکثر انجام حملات هوایی محدود و دقیق علیه مراکز قدرت سیاسی و نظامی و حتی اقتصادی است. گرفتن «تمپو» عاملی است که آمریکا در شطرنج رویارویی با ایران در فکر آن است.

«زمان» هر چه ما را در عقب و در آستانه رقابت برای توسعه نگاه دارد، اختلاف فاصله با روند تغییر محیطی دیگر کشورها ما را خسته و منفعل و آنگاه با تلاش جناح مصلحت‌اندیش و محافظه‌کار، شرایط برای پذیرش آنچه آمریکا در پی آن است یعنی «تغییر رفتار سیاسی براساس آنچه او می‌خواهد» آماده می‌شود. در این جاست که هدف نهایی جنگ خودبه‌خود با کمترین هزینه برای او میسر می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در این دفاع همه‌جانبه زیر امر مرجعیت مقتدر مسلح مفهوم نظامی و دفاعی ولایت فقیه را تمرین کردیم و مفهوم قرآنی بنیان مرصوص (اقتدار دفاع ملی با رهبری ولایت فقیه متکی بر جنگاوران ایمانی و فناوری تسلیحات) را در جنگ علیه دشمنان دین و انقلاب با اراده‌های آهنین خود ساختیم. آموختیم که چگونه دفاع کردن و رزم را از حوزه‌ی نظامی به سطح مردم و توده‌ها ارتقا دهیم، چرا که حذف قدرت نظامی ممکن، ولی حذف یک ملت محال است. فراتر از آن ما جنگ‌ها را براساس دو الگوی ناشناخته ولی بسیار مهم ادامه می‌دهیم.

- یکی بر اساس اعتقادات دینی ملت
- دوم پایگاه مردمی جنگاوران مؤمن

- ۱ - هر جنگی بر اساس الگوی دفاع اندام‌وارگی ایجاد یک تأثیر خودایمنی در خاطره‌ی ژنتیک دفاعی هر ملت ایجاد می‌کند. جنگ ۸ ساله و دفاع مقدس نیز تأثیر ذاتی خود را در حافظه‌ی قدرت دفاعی ملت ما گذاشته است. همه‌ی آحاد ملت بزرگ ما در این وراثت افزایش توانمندی ژنتیک دفاعی سهم ویژه‌ی خود را دارند. این اشتراک دفاعی در انجام عملیات رزمی در خلال جنگ به ملت ما توانمندی مضاعف در جنگ‌های آینده بخشیده است.
- ۲ - ما آموختیم اگر نتوانیم حتی بازدارندگی در برابر دشمن هر اندازه که قوی تر باشند، در تعرض و جنگ کردن ایجاد کنیم، قادریم با افزایش تدریجی قدرت مقاومت خود، ملت را از عواقب تهاجم آنها مصون سازیم، چون تا مادامی که دشمن نتواند به اهداف خود برسد که همانا خروج ما از دایره‌ی اراده‌ی ادامه‌ی جنگیدن است و تسلیم شدن، ما پیروز میدان جنگیم.
- ۳ - ما آموختیم که اگر دشمن دارای عقبه به ظاهر ناپیدایی از همگرایی قدرت‌های شرق و غرب باشد، باز هم می‌توان با آنها جنگید و حتی اگر ۸ سال طول بکشد ما تا آخر ایستاده‌ایم. تاریخ دفاع مقدس این مقاومت مردمی را تا انتهای جنگ در عملیات مرصاد به همه‌ی عالم نشان داده است.
- ۴ - ما آموختیم اگر در زمان صلح با آموزش‌های رزمی دقیق و سنگین و سرمایه‌گذاری در تجهیزات مدرن و کارآمد قدرت دفاعی خود را سرپا آماده نگاه داریم، بهترین سپر دفاعی را برای پاسداری از ملت، منافع ملی و ارزش‌های انقلاب اسلامی در عصر نبردهای ناهمتراز خواهیم ساخت.
- ۵ - ما آموختیم که چگونه جنگ را در شرایط عدم قطعیت تمام به سبب وقوع انقلابی بزرگ در همان ابتدا، همپای جلودار تا آخر با ملت ادامه دهیم و اداره کنیم.

- ۶ - ما در همه‌ی عرصه‌های جنگ بر اساس باورها و اعتقاداتمان می‌جنگیم. ارتش در ۱۹ بهمن ۵۸ برای همیشه‌ی تاریخ با انقلاب و راه امام پیوند جاودانه بست.
- ۷ - ما آموختیم که جنگ ما یک جنگ دائمی و بی‌انتهاست (وقاتلوه‌م حتی لاتکون فتنه ویکون الدین کله لله).
- ۸ - ما قادر به افزایش عدم قطعیت در فضای نبردهای آینده به دلیل باور و اعتقاد به فرهنگ جهاد و پایداری هستیم.
- ۹ - ما خودکفایی در تجهیزات و آموزش را درنبرد با دشمنان انقلاب آموختیم.
- ۱۰ - آموختیم که به موازات افزایش فشارها و سختی‌های وارده از دشمنان انقلاب، مقاومت درونی، پایداری و خود را افزایش دهیم و به مبارزه تا سرحد مرگ در نبردهایمان ادامه دهیم.
- ۱۱ - قائل شدیم که تأثیرمحوری را با تکلیف‌مداری همراه کنیم.
- ۱۲ - آموختیم که می‌توان در پدافند و دفاع، حمله کردن را نیز به دشمن تحمیل کنیم.
- ۱۳ - حداکثر استفاده از امکانات ساده و در دسترس را با خلاقیت انعطاف‌پذیری همراه کنیم.
- ۱۴ - در پایان ما آموختیم که هر که به خدا تکیه کند و پروای الهی داشته باشد، "یرزقه من حیث لایحتسب" می‌شود.
- ۱۵ - ما توانمندی‌ها و قابلیت‌های ناشناخته‌ای داریم که در بروز حوادث واقعی خود را نشان می‌دهد و قادریم با ایجاد تهدیدات مبهم دشمن را در تنگنای شکست و گریز قرار دهیم.



### منابع

- ۱ - اسداللهی، مسعود، (۱۳۸۲)، جنبش حزب الله لبنان گذشته و حال، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۲ - بیلیس و اسمیت، جان، استیو، (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
- ۳ - حسینی، کیوان، (۱۳۸۶)، مقاله اصول حاکم بر نظام مقیم سازی امنیتی آمریکا با تأکید بر نظام مقایسه‌ای اروپا، کتاب مکاتبات امنیتی و امنیت ملی ایران، بهار ۸۶، پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.
- ۴ - السن، جان اندریس (۱۳۸۴)، جنگ نامتقارن، گروه مترجمین، ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.
- ۵ - سوید، یاسین (۱۳۷۸)، اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام، ترجمه اصغر قائدان، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>.
- ۶ - اسنایدر، کریگ (۱۹۹۹)، امنیت و راهبردمعاصر، مترجم حسین محمدی نجم، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دافوس، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۴.
- ۷ - حسینی، احمد (۱۳۷۸)، اسلام و آیین نبرد، تهران، مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
- ۸ - مقاله مؤلف در همایش سراسری هسته‌ی رزم زمینی اردیبهشت ۱۳۸۶ به نام "ویژگی‌های جنگ آینده با ماهیت عدم تقارن" در دانشگاه مالک اشتر.
- ۹ - حبیبی، نیک‌بخش، مقاله نقش فناوری اطلاعات در دفاع هوایی در همایش دفاع هوایی ناهمتر از، مرداد ۱۳۸۷، دانشگاه هوایی.
- ۱۰ - حبیبی، نیک‌بخش، مقاله ویژگی‌های جنگ آینده با ماهیت عدم تقارن، همایش سراسری هسته‌رزم زمینی اردیبهشت ۱۳۸۶ دانشگاه مالک اشتر.
- ۱۱ - دشتی، محمد (۱۳۸۳)، نهج البلاغه، تهران، انتشارات زهد.
- ۱۲ - اسفندیاری مسعود، مقاله نبرد در قرن ۲۱ - ظهور جنگ‌های نو ترکیبی، همایش دفاع

هوایی ناهمطراز، تیر ماه ۱۳۸۷، دانشگاه هوایی.

۱۳ - طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ترجمه سید محمد باقر موسوی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.

14 - [http://iran-newstoday.blogspot.com/2007/07/blog-post\\_7902.html](http://iran-newstoday.blogspot.com/2007/07/blog-post_7902.html).

15 - <http://monji329.blogfa.com/post-10.aspx>.